

# جمهوری اسلامی به حفره سیاه نزدیکتر میشود!

## به یاد قیام آبان ۹۸

محسن ابراهیمی

جایی به تشبیه جالبی برخوردم که تصویر خوبی از این میدهد که چرا و به چه معنی آبان ۹۸ نقطه عطف بود. تشبیه این بود که حکومت اسلامی به حفره سیاه کیهان شناسی آنقدر نزدیک شده است که دیگر امکان گریز از نیروی جاذبه آن و فرو غلطیدن به قعر آن را ندارد. سقوطش ناگزیر است. آبان ۹۸ نه تنها شاهد گویای نزدیک شدن جمهوری اسلامی به آن نقطه غیر قابل گریز است بلکه نیرویی را به صحنه آورد که سالهاست برای ضربه نهایی و سقوط حکومت اسلامی به قعر آن حفره سیاه به میدان آمده است. آبان ۹۸ مقطعی مهم از جنبش سرنگونی است که در یکی از بازگشت هایش تلنگر آخر را به نظام اسلامی خواهد زد. به این معنی آبان ۹۸ یک نقطه عطف بسیار

جدی در حیات سیاسی ۹۸ ساله جمهوری اسلامی بود.

**شورش پابرهنگان در دی ماه ۹۶ آغاز شد!**

آبان ۹۸ رعد و برقی در آسمان بی ابر نبود. دو سال پیشتر ابرهای طوفانی دیماه ۹۶ بر کل موجودات حکومت سایه سنگینی انداخته بود. آبان ۹۸ تندری دیگر با غرشی سهمگین تر در هوایی ابری تر بود. به خاطر فاصله بسیار کوتاه دو خیزش، جا دارد اشاره کوتاهی به خیزش دیماه ۹۶ داشته باشیم که پیش صحنه ای برای آبان ۹۸ بود.

سعید قاسمی یکی از خیل لمپن ترین سرداران

سپاه در جریان خیزش ۸۸ خطاب به نیروهای بسیج گفته بود: "از اون روزی باید بترسیم که دمپایی پوشها و کفش ملی پوشهای شوش و شاعبدلعظیم و خیابون پیروزی اون روز اگر قاط زدن و پشت ولایت نبودند اون روز فرار کن برو خارج. اگر اونها ول کردند پشت خط را. اون روز باید فرار کنید."

هشت سال طول نکشید که "آن روز" فرار رسید. در دیماه ۹۶، از شهر مقدس جمهوری اسلامی، از بیخ گوش مدفن امام مقدسشان در مشهد، به بهانه دو برابر شدن قیمت تخم مرغ و علیه گرانی طوفانی راه افتاد و خیلی سریع ۱۶۰ شهر و صدها محله را در هم پیچید.

دی ماه ۹۶، از نظر طبقاتی اساساً عصیان جوانان  
اقتشار تهیدست بود. عصیان توده های وسیعی  
بود که علیه فقر و تهیدستی خود از یکطرف و  
مکنت و ثروت طبقه ای از میلیاردرهای اسلامی  
در طرف دیگر و نظام اسلامی حامی این طبقه  
پاخواستند. دی ماه ۹۶، جنبش تهیدستان  
برای خواست عدالت اقتصادی بود که با این  
شعارها کلیت حکومت اسلامی پاسدار طبقه  
سرمایه دار را به چالش کشید: ”مرفهین بی  
درد، مایه ننگ ملت“، ”آقا خدایی می کند، ملت  
گدایی می کند“، ”یه اختلاس کم بشه مشکل  
ما حل می شه“، ”هم پول ما رو بردید هم حق  
ما رو خوردید“، ”سرمایه های ما رو به دزدها  
سپردید“، ”چپاول گرونی، زمان سرنگونی“،  
”مرگ بر بیکاری، مرگ بر دیکتاتور“.

خیزش ۹۶، از نظر فرهنگی و اجتماعی آشکارا علیه سلطه حکومت اسلامی و اسلامش و نمادهای برجسته آن یعنی آیت‌الله‌ها و روحانیت بود. خیزش ۹۶ اگر چه از بیخ گوش مرقد امام هشتم حکام اسلامی شروع شد اما حتی یک شعار مذهبی هم نداشت. وقتی یک بسیجی تلاش کرد در آیک قزوین الله اکبر شعار دهد با فریاد "بی شرف بی شرف" استقبال شد. شعارهای خیزش ۹۶ بوضوح حاکی از انزجار توده‌ای از اسلام سیاسی و ایدئولوژی اسلامی و نمادهایش یعنی روحانیت و آخوندها بودند. مردم معترض با فریاد شعارهایی مثل "مملکت آخوندی نمی‌خوایم نمی‌خوایم"، "آخوندا حیا کنید مملکتورها کنید"، "توپ تانک فشفشه

آخوند باید گم بشه، "حقوق ملت ما زیر عباس است امروز" به دهها نهاد و مرکز اسلامی و دفتر امامان جمعه و نهادهای مذهبی حمله کردند.

اگر چه در خیزش ۹۶، یک جناح حکومت اسلامی تلاش کرد این خیزش را عصیانی فقط علیه دولت روحانی جا بزند، اما خیلی زود با شعار "مرگ بر روحانی" در کنار شعار "مرگ بر خامنه ای" کاسه کوزه این شیادی سیاسی در هم شکست. معلوم شد به طور واقعی جامعه شاهد یک نبرد طبقاتی و سیاسی علیه کلیت حکومت اسلامی است.

واکنش جناح اصلاح طلب آبروباخته در میان مردم هم این را نشان داد. آنها سراسیمه شمشیر

علیه مردم معترض و برای حفظ نظامشان را از رو بستند. نه تنها رئیس جمهورشان ماسک مضحک "حقوق شهروندی" را کنار گذاشت، برای مثال اطلاعیه مجمع روحانیون مبارز علیه مردم معترض انگار از بیت خامنه ای صادر شده بود، بلکه حتی مغضوبین این جناح در داخل و خارج هم آشکارا برای محافظت از نظام اسلامیشان از سرکوب شدید همان شهروندان حمایت کردند. در مقابل، مردم معترض هم علنا با شعار مشهور و ماندگارشان آخرین میخ ها را بر تابوت پوسیده این جریان اصلاح طلب کوبیدند: "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا".

آبان ۹۸ با فاصله ای کوتاه در متن و ادامه



خیزش دیماه ۹۶ رخ داد و به این معنا غرشی در آسمان بی ابر نبود. همانطور که خود دیماه ۹۶ هم یکباره در آسمان بی ابر ظاهر نشد. همان زمینه ها و فاکتورهایی که باعث شد در دی ماه ۹۶، در قریب ۱۶۰ شهر و بطور همزمان جمهوری اسلامی و ارکان اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اش به چالش کشیده شود، دقیقا آبان ۹۸ را خلق کرد که بنا بر روایت هایی در بیش از ۲۰۰ شهر و صدها محله حکومت اسلامی را به چالش کشید. آبان ۹۸ تجربه دیماه ۹۶ را پشت سر داشت که برای جنبش سرنگونی سرشار از آموزش بود. مردم معترض آبان قبلا در خیزش دی ماه به نقطه ضعفهای حکومت و نقطه قوتهای خود پی برده بودند. دیماه ۹۶ به مردم معترض تصویری روشن از

نه تنها ابعاد وسیع نفرت از حکومت اسلامی داده بود بلکه مهمتر از آن آشکار کرده بود که فراتر از نفرت، مردم در مقیاسی وسیع عزم سرنگونی حکومت را دارند.

**آبان ۹۸ یک جنگ طبقاتی و سیاسی آشکار بود!**

در آبان ۹۸، یک بار دیگر گرسنگان و بابرهنه ها و توده های محروم این بار در یک تقابل آشکارتر و تعرضی تر کل حکومت اسلامی را در کف خیابان به چالش کشیدند.

وقتی در نیمه شب جمعه ۲۴ آبان اعلام شد قیمت بنزین سه برابر شده است، کشور مثل

یک بشکه عظیم بنزین منفجر شد. خیلی سریع اکثریت تهیدست و محروم و سرکوب شده مردم از یک طرف و حکومت اسلامی از طرف مقابل در کف خیابان رو در روی هم سنگر گرفتند. مصافی آغاز شد که مشخصه یک جنگ طبقاتی و سیاسی تمام عیار را داشت. بنزین یک شبه در کشوری سه برابر شده بود که در کنار اکثریت عظیم کارگر زیر خط فقر، خیل عظیمی از جوانان بیکار کلان شهرها بدون کوچکترین امیدی برای تغییر وضعشان در نظام اسلامی آماده انفجار بودند. کشوری که در یک دهه گذشته حتی بخش وسیعی از اقشار پایینی طبقه متوسطش هم به موقعیت فرودست رانده شده بودند و هر روز اخبار فساد و دزدی و چپاول نجومی توسط

مقامات حاکم را از افشاگری باندهای مختلف حکومتی علیه همدیگر می شنیدند.

تبلیغات مضحک خود فریبانه بیت خامنه ای و مداحان سیاسی اش را حتی خودشان هم باور ندارند که گویا خیزش آبان توطئه دشمن خارجی، "توطئه آمریکا و صهیونیستها" بود. حتی استراتژیستهای واقع بین و دلسوز به آینده جمهوری اسلامی هم بارها در باره "شورش گرسنگان" هشدار داده اند و آبان ۹۸ یک مقطع برجسته بپاخاستن این گرسنگان بود. خیزشی که نیروی اجتماعی و طبقاتی اصلیش آن بخشهایی از جامعه بودند که همه رقم - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی - از حکومت اسلامی صدمه دیده اند. اقشار فرودست و

تهیدست و حاشیه نشین و بیکار اساسا جوان  
که در کنار تعدی سازمان یافته فرهنگی و  
فکری و سیاسی حکومت به زندگیشان، از  
نظر اقتصادی هم به مرز گرسنگی رانده شده  
اند و نگران حتی حیات فیزیکی خود هستند.  
اقشاری که در چهارچوب تنگ ارتجاعی نظام  
اسلامی نه گذشته ای مثل یک نوجوان داشته  
اند، نه در حال امنیت و احترام دارند و نه  
هیچ آینده ای جز بدتر شدن وضعیتشان در  
چهارچوب جمهوری اسلامی تصور میکنند.  
جوانانی بدون گذشته، بدون حال و بدون آینده.  
جوانانی که هیچ گشایشی در هیچ وجهی از  
زندگیشان در چهارچوب نظام اسلامی سراغ  
ندارند. جوانانی که خوب میدانند هیچ چیز  
برای از دست دادن ندارند و می توانند دنیایی

بدست بیاورند. و در یک کلام جوانانی که هیچ هستند و میخواهند همه چیز شوند. در یک جمله آبان ۹۸ قیام پابرهنگان علیه طبقه حاکم سرمایه دار، علیه آیت الله های میلیاردی و علیه حکومت اسلامیشان بود.

## شعارهای طبقاتی - سیاسی!

جمهوری اسلامی یک بسته کامل ستم و بی عدالتی و ظلم علیه اکثریت شهروندان بخصوص طبقه کارگر و میلیونها تهیدست متعلق به صف طبقه کارگر است. تجسم کاملی از بهره کشی اقتصادی، ستمگری سیاسی، سرکوب عقیدتی و فرهنگی است. بی دلیل نیست هر اعتراضی با هر مضمونی - اقتصادی، فرهنگی، سیاسی

و عقیدتی - فورا مضمون سیاسی ضد نظام اسلامی به خود میگیرد.

مخصوصا در چند دهه گذشته، جناح های مختلف جمهوری اسلامی به نحوی مضحک از نظر مردم، در جلدهای مختلف و ظاهر منتقد همدیگر ظاهر شده اند. جناحی مثل خاتمی و روحانی همچون "کلیددار" حقوق شهروندان، جناحی همچون احمدی نژاد و آیت الله قاتل همچون حامی "مستضعفین"! برای مردمی که می بینند همه این باندها با هم مشغول چپاول اقتصادی هستند و باهم حقوق شهروندان را لگدمال میکنند، چنین تقسیم بندی بیش از حد مضحک است. نه تنها مضحک است بلکه مخصوصا ترکیب طبقاتی و سیاسی آبان 98 و

شعارهایش نشان داد که اکثریت معترض جامعه دارند کلیدداران شارلاتان حقوق شهروندی و حامیان قلبی "مستضعفین" را به عنوان دو بال یک نظام پایمال کننده همه حقوق انسانی مورد حمله قرار میدهند. بی دلیل نیست که این تهیدستان، این حاشیه نشینها و پابرهنه ها، این توده های وسیع بیکار و بی آینده متعلق به طبقه کارگر، توده هایی که همه ستمهای جمهوری اسلامی را یکجا تحمل میکنند، در قیام آبان، در کنار "آزادی، عدالت، این است شعار ملت"، در کنار "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر روحانی" هم شعار دادند. دو شعار "دیکتاتور حیا کن، مملکتو رها کن" و "روحانی حیا کن، مملکتو رها کن" را همزمان و در کنار هم فریاد زدند. و بالاخره



با شعار "جمهوری اسلامی، نمیخواهیم، نمی  
خواهیم" کل نظام اسلامی با تمام سرانش را به  
چالش کشیدند و نشان دادند که این تصویر  
بی پایه است که گویا آزادی فقط دغدغه طبقه  
متوسط است و مساله توده های تهیدست و  
کارگر، فقط عدالت اقتصادی است.

**آبان ۹۸ این تصویر از اوضاع سیاسی را به  
وضوح در مقابل جامعه قرار داد:**

فاصله خیزش ها کوتاه تر شده است. دو سال  
به جای ده سال. خیزشها جغرافیای بسیار  
گسترده تری را در بر می گیرد. در ترکیب  
طبقاتی و اجتماعی جنبش سرنگونی نقش  
اقتدار تهیدست و محروم و بیکار متعلق به

طبقه کارگر افزایش پیدا میکند. ترکیب سنی بسیار جوان و جسور فعالتر شده اند به تبع آن روش اعتراضی تعرضی تر و جسورانه تر از پیش است. مضمون عدالت طلبانه شعارها صریحتر از گذشته است. شعارها نه مطالبه از این یا آن جناح حکومت بلکه علیه کلیت حکومت هستند. نهادها و نمادهای مذهبی حکومتی مثل حوزه های علمیه، تکیه ها و حسینیه ها و دفاتر امامان جمعه ها و نمایندگان ولی فقیه بیش از پیش مورد حمله هستند. هشدار می‌دهم که در شعار دی ماه ۹۶ پایان حیات سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا را اعلام کرده بود، این بار با شعارهای صریحتر علیه خامنه ای و روحانی و شعار "جمهوری اسلامی نمیخواهیم" صراحت بیشتری یافته است. در یک جمله آبان ۹۸،

محتوای طبقاتی و سیاسی و ضد اسلامی خیزشهای قبلی را یکجا در خود جمع کرد و به کف خیابان آورد.

## ولی فقیه در وسط یک جنگ آشکار طبقاتی

خامنه ای تجسم نظام اسلامی است. نه به این معنا که نفوذ و اقتدار معنوی و سیاسی دارد. او که منفورترین شخصیت نظام اسلامی در میان مردم است، حتی در میان مداحان و دست بوسان چاپلوس بیت خودش، در میان الیت نظامی و سیاسی حکومت هم اقتدار ندارد. طبقه حاکم برای حفظ انسجام اش نیاز به سمبل دارد و خامنه ای نه به خاطر کاریسمای سیاسی یا موقعیت مذهبی، بلکه به خاطر

تاریخ پشت سرش در ساختار سیاسی حاکم مناسب ترین شخص برای مهندسی شدن و ایفای این نقش است. این بحث جداگانه ای است که باید جداگانه به آن پرداخت.

خیزش آبان ۹۸ دقیقا به خاطر همین اجماع جناحها برای مهندسی خامنه ای به مثابه "فصل الخطاب" برای حفظ نظام، همان "فصل الخطاب" را با صراحت تمام مورد تعرض قرار داد. به حلقه ضعیف از نظر مردم که اتفاقا از نظر نظام قرار است حلقه ای قوی تلقی شود تعرض کرد. طنین شعارهای "نگ ما نگ ما، رهبر الدنگ ما"، "سید علی ببخشید، دیگه باید بلند شید"، "خامه ای حیا کن، ممکلتو رها کن"، و بالاخره "مرگ بر خامنه ای" نمونه

ای از هشیاری سیاسی آبان ۹۸ بود که در هم شکستن حلقه ضعیف نظام را در دستور داشت که قرار بود نقش حلقه قوی نظام را ایفا کند.

## بعد از آبان ۹۸

اگر چه قیام آبان به پیروزی نهایی نرسید اما شکست هم نخورد. بعد از آبان، علیرغم توحش جمهوری اسلامی و قتل عام معترضین، هیچ جلوه ای از فضای روانی شکست خورده یک جامعه شکست خورده را مشاهده نمی کنیم. نه تنها از یاس، ناامیدی، انفعال، سکوت، عزلت و در خود فروری و خودزنی روانی و روحی خبری نیست که مشخصات معمولی یک جامعه شکست خورده است، بلکه برعکس جامعه بعد

از آبان حتی یک روز هم از تحرک اعتراضی و سیاسی علیه حکومت اسلامی باز نایستاده است.

خیزش آبان که در متن اعتراضات کارگری وسیع از جمله اعتصابات و اعتراضات متعدد و ادامه دار کارگران هفته تپه شکل گرفته بود، خود زمینه گسترش هر چه بیشتر اعتصابات و اعتراضات کارگری شد.

هنوز قاتلان آبان سر بر بالین خونیشان نگذاشته بودند که با اعلام وجود مادران دادخواه آبان، صف پر شور جنبش دادخواهی قدرتمندتر شد. درست دو ماه بعد با کشتار عامدانه مسافران هواپیمای اکرایینی، دادخواهان این کشتار

وارد صف جنبش دادخواهی شدند. کمی بعد اعتراض میلیونی علیه حکم اعدام سه جوان معترض آبان دست دستگاه قضای جمهوری اسلامی را از زندگی آن سه جوان کوتاه کرد. کمی بعد اعدام نوید افکاری به موجی از نفرت علیه حکومت اسلامی در ایران و جهان دامن زد که ورزشکاران و سلبریتی های زیادی را به صف اعتراض جلب کرد. کمی بعد تر خوزستان علیه تشنگی با شعار انقلابات "بهار عربی" یعنی "الشعب يريد اسقاط النظام" (مردم خواهان سقوط نظام هستند) بپا خاست و فوراً با یک همبستگی سراسری مورد استقبال قرار گرفت.

یادمان هم نرفته کل حکومت در مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری، "رای ما سرنگونی

است“ را تحویل گرفت و رئیس جمهور انتصابی اش هم به یمن جنبش دادخواهی قدرتمند و ترس از بازداشت به جرم جنایت علیه بشریت نمیتواند به خارج از ایران سفر کند.

و بالاخره به موازات محاکمه حمید نوری، از عناصر فعال قتل عام زندانیان، “دادگاه بین المللی مردمی آبان” هم محاکمه جنایتکاران آبان را آغاز کرده است. اینکه سران جمهوری اسلامی زمانی محاکمه میشوند که هنوز در قدرتند اتفاق سیاسی بسیار مهمی است. این یعنی “آبان ادامه دارد” و حکومت اسلامی هم رفتنی است.

بعد از آبان ۹۸، در خودآگاهی سیاسی اکثریت



مردم معترض علیه جمهوری اسلامی این حقیقت  
نقش بست که آنها که عزم سرنگونی دارند و  
دنبال فرصتی برای تبدیل کردن این عزم به  
یک حرکت و خیزش سیاسی هستند زیادند.  
این به مردم قدرت و اعتماد به نفس و امید  
میدهد و داد. خیزش آبان به مردم سرنگونی  
طلب، به اکثریت تهیدست از صف طبقه کارگر  
و محروم جامعه نشان داد که علیرغم زندان  
و تهدید و شکنجه و کشتار و حتی اعدام که  
کار روتین حکومت است قیامی سراسری  
مثل آبان ۹۸ امکانپذیر است. قیام آبان مردم  
را به قدرت خود، به سطح بالای همفکری و  
هم نظری و همبستگی و عزم مشترکشان  
برای پایان دادن به عمر نظام اسلامی واقف  
کرد. همه اینها نشانه های روشن و قاطعی از

نزدیکتر شدن گریزناپذیر حکومت اسلامی  
به حفره سیاه و مهمتر از آن نشانه آماده تر  
شدن جنبش سرنگونی است تا با تلنگری کل  
موجودیت پلید این حکومت را به قعر حفره  
سیاه پرتاب کند.

۱۱ نوامبر ۲۰۲۱

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام